



میقات یا نقطه آغازین سیر الی الله

مرتضی جوادی آملی

«وَاتِمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ»^۱

گرچه همه ازمنه و تمامی امکانه، زمان و مکان هجرت به سوی پروردگار است، (اینما تَوَلَّوْا فَثَمَّ وَجْهَ اللَّهِ)^۲ لیکن نسیم فیوضات رحمانی و عطر عنایات ربّانی، بر اساس حکمت الهی، در مقاطع مکانی و فواصل زمانی خاصی وزیدن می‌گیرد، (فِی اَیَّامٍ دَهْرٍ کُمْ نَفَحَاتٍ) و آنچه که در چنین فرصتی ارزشمند است، همانا داشتن شامه الهی است (أَلَا فَتَعْرَضُوا لَهَا) تا از آن نسیم رحمت جان به عطر طهارت معطر گشته و در سایه آن، تعالی روح و شکوفایی جان به ارمغان آید.

بارقه حج، از غمام رحمت حق در زمان خاص و از مکان ویژه‌ای جهیدن می‌گیرد و تمام حج بر اساس رعایت چنین خصوصیتی است.

عن ابی عبدالله - ع - : «مَنْ تَمَامَ الْحَجِّ أَنْ يَحْرِمَ مِنَ الْمَوَاقِيتِ»^۳ امام صادق - ع - فرمود: احرام از مکانهای مخصوص که (در اصطلاح حج) مواقیت نامیده می‌شود از عواملی

است که حج بدان تمام می‌شود و بدون آن، ناقص است.

اهمیت میقات و احکام آن

میقات از جمله مکانهایی است که شعاع فیض ربّ، مستقیماً آن را تحت پوشش گرفته، همانگونه که ماه حج در عداد زمانهایی است که گذرگاه خاص نسیم رحمانی است. اما اراده الهی نسبت به میقات، که در احکام آن تجلی یافته؛ عبارت از آن است که بنده ابتدا به بریدن همه تعلقات و جدا شدن از همه آنچه که او را به مظاهر دنیایی توجه می‌دهد، و حرام کردن هرچه غیر خداست، خود را به ربّ و مدبّر خویش نزدیک می‌نماید، و سپس با نیت و آهنگ حج، لباس احرام بر اندام می‌پوشاند و با آن، بدیها را از حریم وجود خود، دور می‌دارد. آنگاه با سر دادن ندای «لیک ...» دعوت الهی و اذان ابراهیمی را پاسخ می‌دهد. این سه حکم الهی که در میقات تحقق می‌یابد و به نوبه خود از عالیترین فرائض حج است، جایگاه رفیع و مکانت منیع میقات را می‌نمایاند.

واژه میقات

واژه «میقات» که جلوه‌ای از کلام الهی در تجلی بالغ حق؛ قرآن پروردگاریست، نشانگر زمانی مخصوص و بیانگر مکانی ویژه است. میقات که از ریشه لغوی «وقت» گرفته شده، در معانی و حقایق متعددی استعمال می‌شود. این کلمه وقتی در کتب لغت مورد بررسی قرار می‌گیرد، اینگونه بازگو می‌گردد که میقات در اصل «مِوَقَات» بوده و واو به جهت مکسور بودن میم، به یاء مبدل شده و میقات گشته، و معنای لغوی آن مصدر وقت است؛ یعنی وقت داشتن. اما مراد از «وقت داشتن» آن است که بطور مسلم «زمان» در یک عمل، نقش حتمی دارد و لزوماً باید در یک مقطع زمانی خاص، فعل یا عملی صورت پذیرد؛ به عنوان مثال وقتی پروردگار عالم در قرآن می‌فرماید: «ان الصلاة کانت علی المؤمنین کتاباً موقوتاً»^۴ به جهت آن است که نماز ضرورتاً در زمان خاصی تحقق خواهد یافت.

کاربرد واژه میقات در مکان، به خاطر قرابت مفهومی آن با زمان^۵ و یا به جهت کاربرد استعاره‌ای آن در مکان، به معنای لزوم امری در مکان مشخص است. بنابراین اگر کلمه



مِقات در مورد مسائل حج به کار می‌رود؛ یعنی واجب است در مکان خاص عملی مثل احرام انجام پذیرد. همانطوریکه در خصوص نماز می‌گوییم: واجب است در وقت مخصوص، نماز خوانده شود، و بدین بیان، معنای حدیثی که وارد شده؛ «انه وقت لاهل المدينة ذوالحلیفه»^۶ روشن است؛ یعنی برای اهل مدینه در میقات ذوالحلیفه، احرام واجب است.

بر این اساس، در جریان حضرت موسی - ع - تحقق وعده نیز در یک زمان خاص صورت پذیرفته، از این رو در آغاز فرمود: «واذ واعدنا موسی»^۷ و در پایان فرمود: «تم میقات رب»^۸ که تحقق وعده الهی با کلیم الله، در زمان مخصوص تحقق یافت.

و همچنین اگر در قرآن آمده: «ان يوم الفصل كان میقاتا»^۹ به معنای آن است که محققاً زمان فصل و جدایی حق از باطل در موعد و وقت خاص خود تحقق خواهد یافت. و همچنین اگر در کلام الهی (قرآن مجید) آمده که فرمود: «یسئلونک عن الأهلۃ قل هی مواقیت للناس والحج»^{۱۰}؛ یعنی نقش هلالها در تشخیص اوقات است، بخصوص زمانهایی که به جهت ضرورت، فعلی مثل حج در آن صورت می‌پذیرد.^{۱۱}

تمام حج در رعایت میقات

در مجموع، آنچه می‌توان بعنوان محصول این بحث بیان کرد، آن است که میقات در فرهنگ حج، به مکانی گفته می‌شود که انجام فعل، مثل احرام، در آن مکان مشخص، ضرورت دارد. یا تحقق وعده الهی، برای گام نهادن در بارگاه ربوبی، ضرورتاً از آن مکان آغاز می‌گردد. و همانطوریکه قبل و بعد زمانی در ماه حج مُخِلّ به حقیقت و عبادت حج است، همچنین قبل و بعد مکانی نیز اخلال به مناسک حج وارد می‌سازد، و بدون توجه به آن، هرگز حج به تمام نخواهد رسید.

قال ابو عبدالله - ع - : «اعلم ان من تمام الحج والعمرة ان تحرم من المواقیت التي وقتها رسول الله - ص - لا تتجاوزها الا و أنت محرم».^{۱۲}

امام صادق - ع - فرمود: آگاه باش، از اموری که حج به وسیله آن تمام می‌شود، آن است که، از مواقیتی که رسول الله - ص - تعیین فرمودند، محرم شوید، و هرگز از مواقیت نگذرید، مگر این که در حال احرام باشید.

همچنین در بیانی از امام رضا - ع - وارد است، که حضرتش فرمود: «ولا يجوز الاحرام دون الميقات، كما قال الله - عز وجل - واتموا الحج والعمرة لله.»^{۱۳}

«احرام بستن قبل از میقات، جایز نیست، همانطوریکه خداوند - عز وجل - فرمود: حج و عمره را به تمام برسانید.»

مراد حضرت از شاهد آوردن آیه شریفه، آن است که: احرام بستن از گذرگاه میقات از عوامل تمامیت حج و عمره محسوب می‌شود.

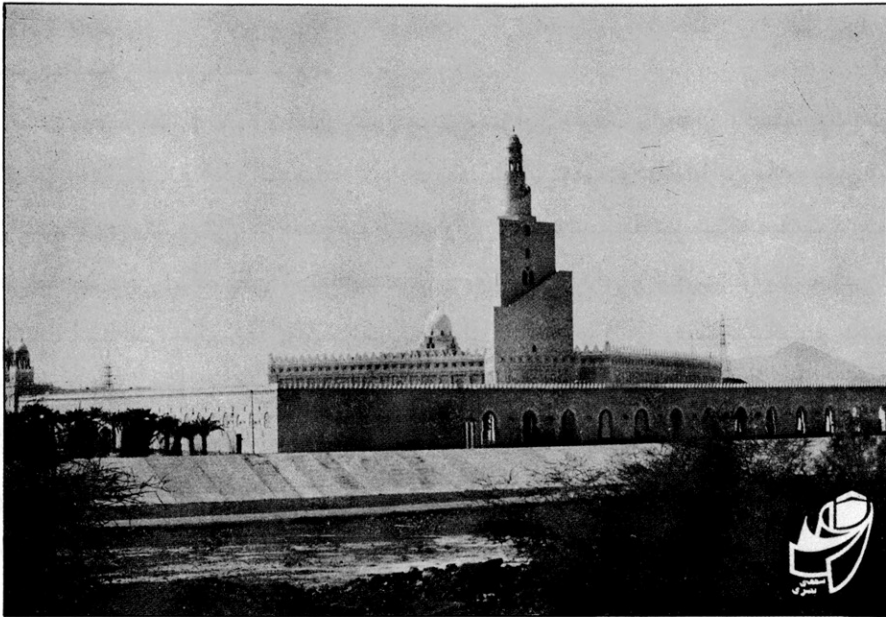
از امام صادق - ع - نیز نقل شده است که فرمود: «من احرم بالحج في غير شهر الحج فلا حج له و من احرم دون الميقات فلا احرام له»^{۱۴}؛ «کسی که در غیر ماه حج محرم شود، در حقیقت حجی برای او نیست، و همچنین کسی که قبل از میقات محرم شود اصلاً احرام نبسته است.» زیرا همانطوریکه احرام از میقات، از عوامل تمامیت حج محسوب می‌شود، از ارکان احرام نیز خواهد بود و بدون آن اصلاً احرام تحقق نمی‌یابد.

بنابر این اگر حکم الهی و سنت نبوی در امر حج بر آنست که میقات مکانی است که احرام از آن مکان صورت پذیرد. اگر از آن تخطی گردد و احرام در مکانی قبل از میقات یا بعد از آن بسته شود، همانند آن است که مسافر در سفر، نماز را چهار رکعتی بجا آورد، که این مطلب از سخن امام صادق - ع - استفاده می‌شود.

ابن فضال که از روات می‌باشد از امام صادق - ع - اینگونه روایت می‌کند:

«دخلت الى ابي عبد الله - ع - وانا متغير اللون، فقال: من أين احرمت؟ قلت: من موضع كذا وكذا ليس من المواقيت المعروفة قال: رب طالب خير تذلل قدمه ثم قال: أيسرك انك صليت الظهر في السفر اربعاً؟ قلت: لا، قال: فهو ذلك.»^{۱۵}

ابن فضال می‌گوید: «وارد محضر امام صادق - ع - شدم در حالی که رنگ چهره‌ام تغییر کرده بود، حضرت از من سؤال فرمودند: از کجا محرم شدید؟ گفتم: از فلان جا (محلّی که از مواقیع معروف نبود) حضرت فرمود: طالبان خیر فراوانی هستند که لغزشگاههایی برای آنها وجود دارد. سپس فرمود: آیا ممکن و صحیح است که تو در مسافرت نماز ظهر را چهار رکعتی بجا آوری؟ گفتم: نه، هرگز. فرمود: احرام بستن در غیر مواقیع، مثل نماز چهار رکعتی در سفر است که هر دو موجب بطلان یا نقص می‌گردد.»



تا کنون دو مسأله بطور اجمال مطرح شد:

- ۱- موقعیت میقات و عظمت آن
 - ۲- احکام ثلاثه (نیت، احرام و تلبیه) که برای معتمر یا انسان حج گزار، در مکان میقات واجب است.
- این که احکام نورانی؛ همچون نیت، احرام و تلبیه، در امکنه‌ای که از آن به مواقیت یاد می‌شود واجب شده، بیانگر راز عمیق و سرانیق حقیقت میقات است.

نقش تلبیه

بعنوان نمونه توجه به این نکته که تلبیه الاحرام حج، نقش همگون با تکبیره الاحرام نماز دارد، و همانطوری که مصلی، زمانی می‌تواند با پروردگارش مناجات کند (المصلی یناجی ربّه) که از آستانه تکبیره الاحرام بگذرد، در حج نیز زمانی انسان به لقای حق بار می‌یابد که از درگاه تلبیه الاحرام بگذرد. و این معنا جز در میقات (غیر از موارد استثنائی) امکان پذیر نیست. این مسأله خود نشانگر بخشی از عظمت و موقعیت والای میقات است.

سرّ میقات از لسان امام - ع -

تحقیقاً اهل ذکر و راز دانان جهان هستی، سرّ این حقیقت را بخوبی آگاهند، بلکه خود سرّ این حقاقتند. آنچنانکه امام سجاد - ع - فرمود: «انا ابن زمزم و صفا، انا ابن مکة و منی».^{۱۶} از اینرو با بهره‌گیری از بیان معصوم - ع - اشارتی برای راهیابی به سرّ مسأله میقات مناسب می‌نمایاند. و آن اینکه بطور کلی حقیقت قرآن یک مرتبه‌عالی و عظیم دارد، (آنه فی ام الكتاب لدینا لعلی حکیم)^{۱۷} قرآن در جایگاه اصلی، در نزد ما دارای رفعت مکانات و حکیم است. و همین حقیقت عالی و حکیم، با تمامی جامعیتش تنزل کرده، که از آن جمله حج با تمام شؤونش می‌باشد، و میقات نیز یکی از جلوه‌های بارز حج است که بدون شک دارای سرّ، بلکه اسراری است؛ زیرا اقتضای تنزل و تجلّی، همانا وجود یک حقیقت برتر بعنوان باطن و سر، و یک امر نازل شده که ظاهر و آشکار است، می‌باشد.

میقات و معراج رسول اکرم - ص -

در اینجا به نکته‌ای که از امام صادق - ع - راجع به باطن میقات ایراد گردیده، اشاره خواهیم نمود. راوی از حضرت سؤال می‌کند:

«قلت لأبی عبد الله - ع -: لأئی علة احرم رسول الله - ص - من الشجرة ولم یحرم من موضع دونه؟ قال: لأنه لما أُسری به الى السماء و صار بحذاء الشجرة و كانت الملائكة تأتي الى البيت المعمور بحذاء المواضع التي هي مواقيت سوی الشجرة، فلما كانت الموضع الذي بحذاء الشجرة نودی یا محمد! قال - ص -: لبیک، قال: ألم اجدک یتیمأ فأویت و وجدتک ضالاً فهدیت؟ قال النبی - ص -: ان الحمد و النعمة لك و الملك، لا شریك لك لبیک، فلذلك احرم من الشجرة، دون المواضع كلها».^{۱۸}

حضرت در مقام پاسخ به این سؤال که چرا رسول اکرم - ص - از شجره احرام بست، و مکان دیگری برای این امر انتخاب نفرمود، اینگونه توضیح داد: علت این امر و راز چنین حقیقتی عبارت از این است که رسول اکرم - ص - در حرکت سماوی و سیر الهی معراج خود، به جایی رسیدند که محاذی آن شجره است، و از طرف دیگر هم فرشته‌های آسمان تا بیت المعمور (به استقبال رسول اکرم - ص -) آمده بودند، و به محاذات با مواقیت متعددی غیر از



شجره، قرار گرفته بودند. وقتی رسول اکرم - ص - در محاذات شجره قرار گرفتند، هاتف غیبی ندایی آسمانی سر داد و حضرتش را مخاطب ساخت:

«آیا اینگونه نبوده است که قبلاً یتیم بودی و پروردگارت به تو پناه داد؟ و آیا اینگونه نبود که گمراه (گم‌شده) بودی و با هدایت الهی مستقیم گشتی؟ اینجا بود که در همان مکان شجره، رسول اکرم - ص - تلبیه معروف را در پیشگاه ربوبی ایراد نمود و اینگونه عرضه داشت: «إِنَّ الْحَمْدَ وَالنَّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبِيْكَ».

این امر مبنای حرکت از بیت المعمور بوده است، که اسوه حرکت از شجره میقات گشته و بر این اساس است که رسول اکرم - ص - احرام را فقط از آن مقطع آغاز کرد.

بررسی و تأمل در مجموعه روایات این بابت؛ خصوصاً روایت فوق، شعر این معناست که همه اوامر شرعی و نواهی الهی، دارای سزای تکوینی و رازی وجودی هستند و البته هر یک در عرصه وجود، به مقدار هستی خود در جهان تشریع، مؤثرند.

همانطوری که آب در نظام هستی، درخت در عالم وجود و جماد در نشأه خارج، دارای بخشی از واقعیت هستند و هر یک در عین حال که ضروری‌اند، اما عهده‌دار امری منحاو و مستقل هستند که به اندازه اثر وجودی و نقش شایسته آنها تأثیر دارند. در نظام تشریع نیز مسأله به همین گونه است، با این تفاوت که یکی در آسایش تن و دیگری در فزایش جان، مؤثر است. یکی راه را برای رسیدن به حیات فانی و دیگری طریق را برای نیل به زندگی باقی آبادان می‌سازند.

بر این مبنا تمامی شؤوناتی که در شریعت مقرر شده، هر یک به منظور تکمیل سعادت و تتمیم هدایت تنظیم شده، و لذا، امرش، نهیش، حرکتش، وقوفش، آغازش، انجامش، همه و همه بر مبنای همان هدایت کامله الهی صورت می‌پذیرد.

و لذا اگر در جریان میقات، اینگونه آمده که حاجی لزوماً باید از مکانهای خاص، بنام «مواقیت» سفر الی الله خود را آغاز کند. گویای سزای لاهوتی و رازی الهی است.

و تا انسان سالک کوی دوست نباشد و سیر عاشقانه خود را به سوی معراج الهی آغاز نکند، هرگز نه استقبال ملائک را و نه محل توقف آنها که محاذات با مواقیت حج است مشاهده نخواهد کرد.

و همانطوری که در معراج نبوی هر قدمی که حضرت می‌زد مرحله‌ای از کمال در

جلوی دیدگان رسول خاتم - ص - روشن می‌شد، در سفر حج نیز تنها زمانی که از میقات به قصد حج احرام بسته شود، ابواب کمال مفتوح و فیض حق مکشوف می‌گردد. از اینجا به آن قانون حاکم در نظام هستی که هر ظاهری را باطنی و شریعت را حقیقت است می‌رسیم، که البته نردبان وصول و سکوی عروج همانا عمل به شریعت است تا نیل به حقیقت دست دهد. نکته‌ای که قابل دقت است این که، گرچه روایت فوق، سرّ احرام از مسجد شجره را بیان کرده، لیکن مسجد شجره به عنوان یکی از مواقیت مورد نظر است نه تنها به عنوان یک مکان مقدس. و لذا بلحاظ سرّ و باطن داشتن همه مواقیت دیگر نیز در حکم مسجد شجره می‌باشند. و فرشتگان به استقبال بندگانی که قاصد بیت الهی هستند، تا محل مواقیت پیش آمدند؛ یعنی از آن نقطه‌ای که حرکت و سیر الهی آغاز می‌شود، و با اولین قدمی که حاجی در کوی دوست می‌نهد و لحظه‌ای که لباس احرام بر تن می‌کند، حضور ملائک و همراهی فرشتگان آسمان با خود را احساس می‌کند.

با این بینش، نه تنها مواقیت، امکنه‌ای مقدس و مورد نظر الهی هستند بلکه مصاحبت و همراهی ملائک برای انسانی که رهسپار کوی ولا و پویای سوی صفا است، از آن مکان خواهد بود.

البته روشن است استقبال ملائک جهت صوری و تشریفاتی نخواهد داشت، بلکه ضمن تجلیل از قاصد بیت عتیق و سالک طریق حبیب، همراهی، راهنمایی و مساعدت در این سیر الهی ضروری می‌نماید. و تنها انسانی می‌تواند وظایف و مناسک حج را آنگونه که شایسته حق است انجام دهد، که اعوان و یارانی آسمانی، او را همراهی کنند.

صاحب وسائل در جلد پنجم کتاب شریف خود در باب اوّل مواقیت، سیزده روایت ذکر کرده که بیانگر امکنه‌ای است که لزوماً نوع حجاج سراسر گیتی از آن می‌گذرند و از آن نقطه محرم می‌گردند و البته حکم ظاهری و باطنی همه آنها واحد است. فقط به اقتضای عالم طبیعت تعدّد و کثرت پذیرفته است؛ به عنوان نمونه، به یکی از آن روایات پرداخته و تذکر بدان را در این مقاله سودمند می‌دانیم.

قال ابو عبدالله - ع - : «ان رسول الله - ص - وَفَتْ لَأَهْلِ الْمَدِينَةِ ذَا الْحَلِيفَةِ وَوَقْتُ لَأَهْلِ الْمَغْرِبِ الْجَحْفَةِ وَهِيَ عِنْدَنَا مَكْتُوبَةٌ مَهِيعة وَوَقْتُ لَأَهْلِ الْيَمَنِ يَلْمَلَمُ وَوَقْتُ لَأَهْلِ الطَّائِفِ قَرْنَ الْمَنَازِلِ وَوَقْتُ لَأَهْلِ النَّجْدِ الْعَقِيقِ»^{۱۹}

امام صادق - ع - از رسول اکرم - ص - نقل می‌کند که: «حضرت برای اهل مدینه مکانی بنام ذالاحلیفه را به عنوان میقات، و برای اهل مغرب جحفه را - که اکنون در نزد ما به عنوان مهیعه شناخته شده - و برای اهل یمن یلملم را و برای اهل طائف قرن المنازل را و برای اهل نجد، عقیق را معرفی فرموده است.»

امید است توفیق ولی توفیق، رفیق و صحبت مصاحبان کریم و فرشتگان رحیم برای همه حجاج فراهم گردد و ضمن عمل به ظواهر و انجام مناسک بهره‌ء وافی را از باطن و اسرار حج برده و راه را برای تعالی هموار سازیم.

پی نوشتها:

- ۱- بقره: ۱۹۶
- ۲- بقره: ۱۱۵
- ۳- جامع احادیث شیعه؛ ج ۱۰، ص ۴۹۲
- ۴- نساء: ۱۰۳
- ۵- لسان العرب، ج ۲، ص ۱۰۷
- ۶- جامع احادیث شیعه؛ ج ۱۰، ص ۴۹۲
- ۷- بقره: ۵۱
- ۸- اعراف: ۱۴۲
- ۹- نبأ: ۱۷
- ۱۰- بقره: ۱۸۹
- ۱۱- نکته‌ای که علامه شعرانی - ره - در کتاب شریف نثر طوبی در مقام تفسیر آیه می‌فرمایند: این است که شناخت کارهای دینی و دنیوی از طریق ماههای قمری، به جهت وجود «اهله»، براتب آسانتر از شناخت اوقات از طریق ماههای شمسی است. نثر طوبی؛ ج ۲، ص ۵۱۸
- ۱۲- بحار، ج ۹۹، ص ۱۲۸، ح ۱۳
- ۱۳- جامع احادیث شیعه، ج ۱۰، ص ۵۱۵
- ۱۴- جامع احادیث شیعه، ج ۱۰، ص ۵۱۳
- ۱۵- بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۳۰، ح ۱۸
- ۱۶- خطبه حضرت سجاد - ع - در شام.
- ۱۷- زخرف: ۴
- ۱۸- بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۲۸، ح ۱۲
- ۱۹- وسائل الشیعه، ج ۵، ابواب مواقیت، باب ۱، ح ۱